**این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.**

سبوی دوست

## خدایا! تو شاهدی

**آیت‌الله جوادی آملی:**
آمده بود قم؛ گفت: حاج‌آقا من کار دارم. گفتم: بفرمایید. دیدم پارچه‌ای را درآورد، گفت: این کفن من است، شهادت بدهید. گفتم: ما چه صلاحیت داریم شهادت بدهیم! کسی که عمری به قرآن خدمت کرده است؛ آبرو، امنیت، ناموس، دین، شرف و نظام ما را حفظ کرده است!
گفتیم خیلی خوب و امضا کردیم. گفتیم: خدایا! «هو الشاهد»، تو شاهدی این عزیز ما کارگزار توست. الان هم با بهترین وجه خدا را مهمان خود قرار داد؛ حشر او با انبیا و اولیای الهی، حشر او با حسین بن علی!
**منبع:** کانال تلگرامی «آیت‌الله العظمی جوادی آملی» به استناد بیانات در تاریخ ۹۸/۱۰/۵

## طعم خوش اولین و تنها برخورد

محسن حسام مظاهری، نویسنده و پژوهشگر مطالعات اجتماعی تشیع و آیین‌های شیعی، در یادداشتی نوشت: کتاب را از دستم گرفت. به عربی عبارتی با این مضمون گفت که چه هدیه نیکویی! و آن را روی پیشانی‌اش گذاشت. چند ثانیه‌ای به طرح جلد کتاب نگاه کرد و بعد آن را گشود و همان ایستاده تورق کرد. در این فاصله من هم توضیح مختصری درباره مطالب کتاب دادم. حین توضیح می‌دیدم که چهره‌اش گشوده شد. خیلی تشویقم کرد و گفت که مشتاق است کتاب را بخواند. برایم دعا کرد و خداحافظی کردیم. این نخستین و تنها دیدار من بود با آقای مصباح، حدود ۱۲ سال پیش، در دفترش. در قم، مؤسسه امام خمینی.
«رسانه شیعه» تازه چاپ شده بود و چند نسخه از آن را زده بودم زیر بغل، رفته بودم قم که شخصاً برسانم دست برخی علما و مراجع شیعه. برخی را موفق شدم و رساندم. برخی دفترشان بسته بود. برخی را هم نیافتم. آقای مصباح تنها کسی بود که هم توانستم شخصاً ملاقاتش کنم و هم با خوشرویی پذیرایم شد. از دیگران هیچ واکنش و پاسخی دریافت نکردم. (البته بی‌انصافی نشود، یک نفر دیگر هم پاسخ داد. دو سه هفته بعد، بسته‌ای با پست سفارشی از دفتر یکی از مراجع پرآوازه و مؤلف ده‌ها کتاب در موضوعات مختلف به دستم رسید با نامه‌ای رسمی و مهر و امضا شده با این مضمون که حاج‌آقا فرصت مطالعه این کتاب را ندارند! و جالب‌تر اینکه همراه نامه کتاب اهدایی خودم را پس فرستاده بودند! یعنی حتی ارزش نگه داشتن در کتابخانه یا اهدا به دیگری را هم نداشته لابد.)
در بین علمایی که آن روز تابستانی سراغشان رفتم، آقای مصباح کسی بود که از نظر اندیشه و مواضع سیاسی دورترین فاصله را با او داشته و دارم. با این وجود طعم خوش برخورد آن روزش هنوز زیر زبانم است.

## با او بود که فهمیدیم سیاست فقط پدرسوخته‌بازی‌های غرب و شرق نیست

سیدپویان حسین‌پور در کانال تلگرامی خود نوشت: برای نسل ما، مصباح‌یزدی صرفاً یک روحانی که کتاب‌هایی نوشته و حرف‌هایی هم در مورد مسائل سیاسی می‌زند نبود. خیلی از ما، در اواسط دهه ۷۰، با او نوجوانی را به جوانی گره زدیم و شدیم فعال انقلابی. با او بود که فهمیدیم سیاست فقط پدرسوخته‌بازی‌های غرب و شرق نیست و وجه دینی هم دارد. چه از لای ورق ورق کتاب‌هایش و چه پای سخنرانی‌هایش و چه در پیگیری اخبارش، علامه مصباح، معلمی بود که سیاست دینی و حکومت دینی را به ما می‌آموخت. و البته مصباح فقط معلمی نمی‌کرد، خود نیز در وسط میدان‌ها و معرکه‌های ایدئولوژیک دهه ۷۰، همچون رزمنده‌ای دلاور مشغول مبارزه بود.
آیت‌الله مصباح، فقیهِ مجاهد و عارفِ واصلی بود که بودنش قوت قلب بخش اعظمی از انقلابیون دهه‌های ۷۰ و ۸۰ بود و حالا نبودنش، ثلمه بزرگی به پیکره سیاست‌ورزی دینی و دینداری آمیخته با سیاست است. روحش شاد و سر سفره مولای ما علی(ع) مهمان باشد ان‌شاءالله.

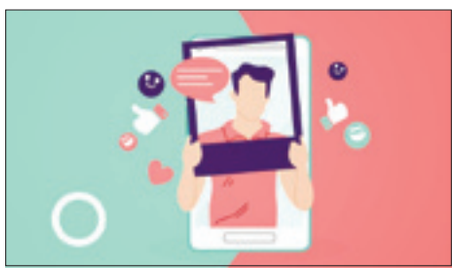

## چرا باید از اینفلوئنسرها دوری کرد؟

کانال تلگرامی «رسانه و خانواده» یادداشتی به قلم «نیکول ماچئیوسکا» را به اشتراک گذاشت. در این یادداشت می‌خوانیم: دنیای اینفلوئنسرها به بهشت می‌ماند، به‌گونه‌ای که اعتماد به نفس ما را از بین می‌برد. این مسئله باعث می‌شود که ترس از دست دادن فرصت‌ها در ما تقویت شود و اضطراب ما را بیشتر کند.
واقعیت این است که اینفلوئنسرها فقط آن جنبه‌هایی از زندگی‌شان را به ما نشان می‌دهند که می‌خواهند ما ببینیم: می‌خواهند ببینیم که بعد از شکست چه زیبا و خوش‌خیال به نظر می‌رسند، تعطیلات اخیرشان چقدر فوق‌العاده بوده است و لباس‌هایی که ما از پس خریدشان برنمی‌آییم چه به تن‌شان نشسته است. اینفلوئنسرها بر ما تأثیر می‌گذارند: با رشد شبکه‌های اجتماعی ما به نسل «شیفتهٔ تصویر» یا «در تسخیر تصویر» بدل شده‌ایم که آماده‌ایم در صورت نرسیدن به آرزوهای‌مان به‌آسانی تسلیم شویم. آنها می‌توانند از قدرت‌شان استفاده کنند تا شما را وادار به خرید چیزی کنند که به آن نیازی ندارید. اینفلوئنسرها بر محیط‌زیست نیز تأثیر مخربی داشته‌اند؛ عموماً صنعت فست فشن را تبلیغ می‌کنند که با تولید انبوه و ارزان سعی دارند به سودی بیشتر دست یابند و شما را به مشتری دائمی خود تبدیل کنند. البته موضوع فقط ترویج مصرف‌گرایی میان جوامع نیست بلکه پای محیط‌زیست، ایجاد آلودگی‌های مختلف و استثمار کارگران هم در میان است.

### بازتاب درگذشت آیت‌الله مصباح یزدی در شبکه‌های اجتماعی

# حاج قاسم مهمان دارند

**خبر رحلت علامه فقیه آیت‌الله مصباح یزدی آن‌هم در شب سالگرد شهادت حاج‌قاسم سلیمانی با موجی از واکنش‌ها در شبکه‌های اجتماعی همراه شد. کاربران ضمن تسلیت این مصیبت به مقام معظم رهبری و عموم ملت ایران از فضائل این عالم وارسته، مجتهد، فقیه، فیلسوف، متفکر و صاحبنظر در مسائل اساسی اسلام گفتند. کسی که رهبر معظم انقلاب (حفظه‌الله) ایشان را جایگزینی شایسته برای شخصیت‌های بزرگی چون استاد شهید مرتضی مطهری(ره) و علامه طباطبایی(ره) می‌دانستند. همچنین کاربران بسیاری که در دوره‌های طرح ولایت که از ابداعات آیت‌الله مصباح یزدی بود، شرکت کرده بودند بیان داشتند که اندیشه اسلامی خود را مدیون این استاد بزرگ هستند. در ادامه بخشی از واکنش‌های کاربران را بخوانید.**

**پرویز امینی:**
مرحوم آیت‌الله مصباح‌یزدی انسان استواری بر افکار خود بود و از ابراز آنچه قبول داشت در برابر فضاسازی‌ها واهمه نداشت. در دو دهه گذشته تقریباً هیچ اهل فکری به اندازه او سازمان یافته به دست مدعیان آزادی مورد هجوم و هجو قرار نگرفت و همین امر مشت ریاکارانه آنها درباره آزادی را باز کرد.

**علی بهادری جهرمی:**
عمل بهنگام و صراحت لهجه در بزنگاه‌های حساس انقلاب، آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی را از هم‌قطارانش متمایز ساخته بود. درگذشت عالم بابصیرت و مطهری زمانه را به رهبر معظم انقلاب و عموم مردم به ویژه وابستگان و ارادتمندان آن مجاهد وارسته تسلیت عرض می‌کنم.

**علی قلهکی:**
رحلت آیت‌الله مصباح یزدی که به‌حق فقیه انقلابی و فیلسوف مجاهد بود، لطمه جدی برای انقلاب به حساب می‌آید که پُر کردنِ خلأ شخصیت ایشان، به سختی امکان‌پذیر است. خدایش بیامرزد.

**علی رحیمی:**
قال رسول‌الله(ص): «اذا مات العالم الفقیه ثلم فی الاسلام ثلمهٔ لایسدها شی» وقتی عالمی فقیه، فوت کند در اسلام رخنه و حفره‌ای ایجاد می‌شود که هیچ چیزی نمی‌تواند جای آن را پر کند.

**فضه‌سادات حسینی:**
حاج‌قاسم امشب مهمان دارند... علامه مصباح یزدی(ره)... امان از دی‌ماه... امان از شب سیزدهم دی... بمیرم برای دلتان آقاجان... برای غربت این روزهایتان ...

**عبدالله گنجی:**
آیت‌الله مصباح از اندیشمندان تراز اول اسلام و تشیع در عصر حاضر بود. تلاش کرد تفسیری از حکومت ارائه دهد که از عرفی‌گرایی برحذر باشد. در حالی متهم به عدم اعتنا به رأی مردم بود که از حزب سیاسی حمایت و خود در انتخابات شرکت می‌کرد، شکست یا پیروزی را می‌پذیرفت. رحمت و رضوان الهی بر او باد.

**الهه رضایی:**
یکی از اصولِ جدانشدنی توی طرح ولایت (طرحِ ابتکارانه علامه مصباح) تأکید بر ولایت و ولایتمداری بود. و تقارن فوت ایشون با سالگرد سردار این درس همیشگی هر دو عزیز رو توی ذهنم آورد.

**فریده علی‌نژاد:**
تاریخ شیعه نشان داده هر شخصیتی که بزرگ شد مهم‌ترین شاخصه‌اش داشتن روحیه ولایت‌پذیری محکم بوده است. همانند عزیزی که امشب سالگرد شهادتش می‌باشد و دیگری علامه بزرگ‌منشی که امشب در کنار ارباب و مولایش آسوده خوابید.

**علی جعفری:**
یکی از فضل‌های کم‌نظیر علامه مصباح نعمت وجود طیف گسترده مخالفان منحرف و دشمنان منافق است. کمتر شخصیتی پیدا می‌شود که قلم و زبانش توانسته باشد چنین خالصانه، ضدانقلاب سیاسی و منحرف فرهنگی و ملتقط عقیدتی و انقلابی مأیوس را در دشمنی با خود برانگیخته باشد.

**مصطفی امینی:**
صهیونیست‌ها گفته بودند بزرگ‌ترین مانع برای اجرای دموکراسی غربی در ایران علامه مصباح‌یزدی است. چه تقارن عجیبی که در سالگرد شهادت حاج‌قاسم، مرزبان بزرگ اندیشه و عقیده نیز به آغوش گرم امیر مؤمنان(ع) راه یافت. ۱۳ دی برای همیشه در حافظه تاریخ با رفتن مردها به یاد خواهد ماند.

**شهاب اسفندیاری:**
فروتنی، معنویت و خصال نیکوی ایشان، کاملاً نقطه مقابل آن تصویر مجعولی بود که از ایشان برساخته بودند. آخرین بار پارسال به اتفاق جمعی از استادان و دانشجویان دیداری با ایشان داشتیم. با وجود بیماری، بیانات ارزشمندی در باب هنر و رسانه داشتند. رحمت خدا بر آن عالم مجاهد و وارسته.

**مهدی سلیمانی:**
چرا آیت‌الله مصباح را تکریم می‌کنیم؟ پاسخ را از رهبری بخوانید: «تشخیص دقیق خود را در روزی که الزام باشد، بی‌درنگ به میدان می‌آورد و در این راه سرزنش و زخم زبان دیگران را به چیزی نمی‌گیرد. در واقع تکریم حضرت آقای مصباح، تکریم راه حق و نشان دادن مصداق و الگوی شایسته است.»

**مریم‌سادات ایران‌پور:**
ارسطوی زمان بود، نظریه حد وسط ارسطویی رو با یک استدلال محکمِ قرآنی رد کرد تا نسل‌های آینده از سیطرهٔ استدلال ارسطویی رها بشن، و به آغوش منطق ناب قرآنی هدایت بشن. اقیانوس معرفت و عقل و بصیرت، غم شما در شب غم مالک زمان، برای رهبر انقلاب بسی طاقت‌فرساست.

تحلیل

## تغییر، قانون نانوشتهٔ زندگی

فردین علیخواه، عضو گروه جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان، یادداشتی با عنوان «تغییر، قانون نانوشتهٔ زندگی» را در کانال تلگرامی خود منتشر کرد. چکیده‌ای از یادداشت او را در ادامه بخوانید: تغییر یکی از قوانین نانوشتهٔ زندگی است. هر چند گفته می‌شود که تغییر، پس از عبور از مرحلهٔ جوانی به تدریج دشوار می‌شود ولی وجود مفهومی همچون «اجتماعی شدن مجدد» یا «بازاجتماعی شدن» در متون جامعه‌شناسی مؤید آن است که در مسیر زندگی هر فرد، تغییر کم و بیش استمرار دارد. «بازاجتماعی شدن» یعنی فرایند اجتماعی شدن از جایی آغاز و در جایی پایان نمی‌گیرد بلکه افراد همواره در معرض اجتماعی شدن قرار دارند. مهاجرت؛ چه داخلی و چه خارجی، مسافرت، ورود به محیط‌های جدید شغلی، ورود به مراحل جدیدی از زندگی نظیر تحصیل، ازدواج، سربازی یا بازنشستگی، همگی می‌توانند موجب تغییر افراد شوند. به علاوه، در دنیای جدید قرار گرفتن در معرض انبوهِ رسانه‌های جمعی متنوع که حاصل آن به تعبیر برخی از نظریه‌پردازان «انفجار معنا» بوده است موجب می‌شود تا افراد در آنچه می‌اندیشند دچار تردید شوند و در سبک و رویه‌های زندگی خود تجدید نظر کنند.
با ذکر این مقدمه، کانونِ بحث این نوشتهٔ کوتاه «همسران» هستند. پرسش آن است که آیا در این گروه اجتماعی کوچک تغییر به‌آسانی رخ می‌دهد؟ کدام یک، زن یا مرد، آسان‌تر با تغییر کنار می‌آیند؟ در خصوص تغییر در بین همسران، چند وضعیت را می‌توان متصور بود: نخست، زن و مرد، هر دو در مسیر و جهتِ مشترکی تغییر می‌کنند. در اینجا جهان‌بینی، سلیقه و نگاه آنان با همدیگر و به شکلی توأمان تغییر می‌کند و در نتیجه رابطهٔ ایشان کمتر چالش‌برانگیز خواهد بود. زنان و مردانی که تلاش می‌کنند همواره تجارب مشترک داشته باشند، زنان و مردانی که مدام تجارب انفرادی جدیدشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند و درباره آن حرف می‌زنند، زنان و مردانی که با هم از تغییر استقبال می‌کنند و آگاهانه به سوی آن می‌شتابند جزئی از این گروه‌اند.
دوم، زن و مرد، هر دو تغییر می‌کنند ولی در جهتی مخالف. اینکه افراد چگونه و با قرار گرفتن در چه موقعیت‌ها و شرایطی تغییر می‌کنند موضوع بحث این نوشتهٔ کوتاه نیست ولی نکته آن است که عدم گفت‌وگو دربارهٔ سلیقه و نگاه جدید ایجاد شده، یا به رسمیت نشناختن تفاوت سلیقه و نگاه جدید از طرف یکی، معمولاً می‌تواند این نوع زندگی‌های مشترک را متزلزل و چالش‌برانگیز نماید. در ضمن، در صورت عدم توافق روی تفاوت، طلاق راهکاری طبیعی به شمار می‌رود. گفته شد که تغییر قانون نانوشتهٔ زندگی است و ممکن است رخ دهد و ممکن است رخ ندهد. کسی را نمی‌توان به دلیل تغییر کردن سرزنش کرد و به همین دلیل، باید با تغییر رفتاری توأم با مدارا داشت.
سوم، تغییر صرفاً در یکی از دو نفر رخ می‌دهد. از جمله زمینه‌ها و شرایطی که معمولاً می‌تواند این وضعیت را تسریع نماید عبارتند از: ادامه تحصیل پس از ازدواج به ویژه در زنان، شاغل شدن زنان و در نتیجه کسب استقلال اقتصادی، سفرهای کاری مکرر یکی از آنها به خارج از کشور، زندگی همسر و فرزندان در خارج از کشور.
نگاهی عمیق‌تر به زندگی روزمره ایرانی بیانگر آن است که طی سال‌های اخیر در مقایسه با مردان، اشتیاق زنان ایرانی برای تغییر چشمگیرتر بوده است. حضور زنان در عرصه‌های علمی، اجتماعی و اقتصادی روز به روز بیشتر می‌شود و بدون تردید این حضور در نگرش‌ها و سلایق آنان تأثیرگذار است. مراجعه بیشتر زنان به روانشناسان و مشاوران علوم تربیتی برای ساختن زندگی بهتر، و در مقابل، مقاومت مردان در مقابل چنین مراجعاتی شاید، بیانگر پویایی یکی، و ایستایی طرف دیگر باشد. همچنین، درخواست رسمی تعداد بیشتری از زنان برای طلاق نیز حداقل می‌تواند گویای آن باشد که آنان خواهان تغییرند و شرایط موجود خود را برنمی‌تابند.
با وجود این، بر پایهٔ شواهد موجود می‌توان این گمان جامعه‌شناختی را نیز داشت که در هر صورت مردان نیز کاملاً ایستا نیستند و تغییر می‌کنند ولی به دلیل منتفع شدن از وضع موجود و ترجیح بر حفظ آن، تغییر خود را در خانه و خانواده بروز نمی‌دهند بلکه آن را در لایه‌های دیگری از روابط اجتماعی خود نظیر دوستان و همکاران برملا می‌سازند.

## فاتح حلب

کانال تلگرامی «خیابان انقلاب» یادداشتی از محمود چهارباغی را به اشتراک گذاشت. در این یادداشت می‌خوانیم: در حلب هنگامی که در حال جنگیدن با دشمن بودیم، دشمن آمد و جاده (ده‌خَناسر به اَسقیا) پشت سر ما را بست. محاصره شدیم، به‌گونه‌ای که دیگر نه غذا می‌آمد، نه آذوقه، نه مهمات، نه سوخت، نه نیرو. یک هلی‌کوپتر با همه مشکلات در تاریکی شب می‌آمد یک‌سری امکانات می‌آورد و می‌رفت.
در این شرایط حاج‌قاسم به منطقه محاصره آمد و فرماندهی منطقه را برعهده گرفت. ابواحمد را به منطقه اثریا فرستاد، خودش هم از منطقه خناسر در حلب جنگید. البته یک‌ماه طول کشید تا توانست به این محاصره پایان دهد.
شما بروید همه اموالش را بررسی کنید. جز آن اموالی که از پدرش به او ارث رسیده است چیزی ندارد. در بعضی مواقع به منطقه خودش در کرمان می‌رفت و باغبانی می‌کرد. کشاورزی می‌کرد. حاج‌قاسم این‌گونه حاج‌قاسم شد. حاج‌قاسم پا را روی نفس خود گذاشته بود.
باور کنید امریکایی‌ها اگر می‌دانستند که این غوغا در منطقه به وجود می‌آید این کار را نمی‌کردند. اشراف اطلاعاتی نداشتند، شناخت نداشتند، نفهم بودند که این کار را کردند چون ضرر شهادت حاج‌قاسم برای امریکایی‌ها خیلی بیشتر از حضورش بود.
ما ژنرال‌های کشورهای دیگر را هم می‌دیدیم، کجا بودند؟ در محل‌های امن عَقَبه با بی‌سیم می‌گفتند پیش. چه پیش؟ حاج‌قاسم این‌گونه حاج‌قاسم شد. در ایران از هرجا می‌توانست برای جبهه مقاومت کمک می‌گرفت.
خب مسلحان، حلب را که بسیاری از مردمش اهل تسنن هستند، به‌عنوان پایتخت انتخاب کرده بودند و حکومت‌شان را از آنجا اداره می‌کردند. حاج‌قاسم هم وقتی قدری از دمشق خیالش راحت شد سریع به‌سراغ حلب رفت. همه نیروها را آورد، تمرکز کرد. ابتدا جنوب حلب سپس شمال حلب منطقه نُبَل و الزهرا و سپس خود منطقه حلب. در خود منطقه حلب حاج‌قاسم ماه‌ها ماند. حلب شهر بسیار بزرگی است. بزرگ‌ترین شهر اقتصادی، دانشگاهی و کشاورزی سوریه است.
حاج‌قاسم همیشه توصیه می‌کرد که بچه‌ها دنبال چرب و شیرین زندگی نباشید. دنبال چرب و شیرین دنیا نباشید. به خدا توکل کنید. توصیه‌هایش همین‌ها بود، سالم باشید.

## آیت‌الله مصباح یزدی و ترمیدورها

کمیل خجسته در کانال تلگرامی خود نوشت: نسل سوم انقلاب‌ها را نسل ترمیدور می‌نامند. ترمیدور چه بود؟ یکی از ماه‌های انقلاب فرانسه که در آن انقلاب از بین می‌رود. دلیل آن هم این گفته می‌شود که نسل سوم چون تجربه مستقیمی از انقلاب ندارد علاقه‌مندی و دلبستگی‌اش به انقلاب از بین می‌رود و آن نسل سوم و عدم دلبستگی‌اش سبب می‌شود تا انقلاب هم از بین می‌رود. در اواخر دهه ۷۰ و اوایل ۸۰ شمسی فضای رسانه‌ای و دانشگاهی کشور پر شده بود از این حرف‌ها و کلیدواژه گسست نسلی محور آن بود.
انقلابی که نسل اولش، تجربه پیروزی بر طاغوت را داشت و نسل دومش پای جنگ تحمیلی ایستاده و از کشور دفاع کرده بود؛ وارد دوره تثبیت خود شده بود. دوران دفاع سخت با موفقیت گذشته بود و انقلاب دوران جدیدی را تجربه می‌کرد. در این دوره بود که نسل سوم با پرسش‌های بنیادین فکری درباره اساس انقلاب و اساس حکمرانی روبه‌رو شده بود. خدا رحمت کند آیت‌الله مصباح یزدی را که با کتاب‌هایش و منبرهایش شجاعانه پلی شد برای اتصال نسل سوم با نسل پیشین خود و پاسخ‌هایش سپری شد در مقابل موج شبهات. به او مدیونیم.

## دغدغه‌های کتاب و کتابخوانی

دکتر علی دارابی در کانال تلگرامی خود نوشت: من با کتابخانه عمومی دوست و همراهم. از دوران راهنمایی، دبیرستان و سپس دانشگاه و کار همواره با «کتاب و کتابخانه» مأنوس بوده‌ام. اهمیت این پایگاه را برای رشد و توسعه فرهنگ، علم و تمدن می‌دانم.
اما چرا از ۱۴۰۰ شهر کشور هنوز ۲۵۰ شهر کتابخانه عمومی ندارند؟ چرا در پنج سال گذشته در انتخاب کتاب سال یک اثر فاخر در حوزه علوم انسانی معرفی نشده است؟ چرا «پست کتابدار» از مشاغل و پست‌های سازمانی آموزش و پرورش در مدارس حذف شده است؟ چرا ناشران یکی از پس دیگری تعطیل می‌شوند و زندگی آنان و نویسندگان در شرایط اصلاً مناسبی نیست؟!
چرا سطح کتابخوانی در کشور به‌شدت کاهش یافته است؟ و ده‌ها پرسش از این دست دغدغه بزرگی برای حوزه کتاب و کتابخوانی است. این در شرایطی است که ایران در یک سال گذشته با ۱۰۵ هزار عنوان کتاب چاپ شده از نظر جهانی «در رتبه پنجم» قرار دارد و در منطقه در صدر همه کشورهاست. برابر قانون نیم (۰/۵) درصد بودجه شهرداری‌های کشور برای توسعه امر کتاب و کتابخوانی باید اختصاص یابد که کمتر این اتفاق می‌افتد. بر فرض که امکانات زیرساختی و تشکیل کتابخانه را فراهم کنیم، کتابخوان و اهل مطالعه را چه باید کرد؟ اگر چه تبلیغات، اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌ها به خصوص رادیو و تلویزیون اثرگذار و مهم است که نیاز به «همت جهادی» دارد. سهم و نقش خانواده‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها، تشکل‌های غیردولتی (احزاب و تشکل‌های سیاسی...) در این امر مهم چیست؟
اگر چه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی متولی و مسئولیت اصلی این مهم را بر عهده دارد و باید «اقدام جهادی» برای توسعه، ترویج و گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی داشته باشد اما مسئله مطالعه و افزایش ساعات و میزان وقتی که ما ایرانیان به کتاب و مطالعه اختصاص می‌دهیم درخور شأن یک ملت باریشه، باسابقه و تاریخ کهن قدیمی و تمدن بزرگ نیست. بیاییم از خودمان آغاز کنیم.